

از منابع آلمانی

برگردان: داؤد اسعد

۰۵/۰۳/۲۰۱۵

پییر لوران: "سریزای فرصتی برای اروپا است"



شبکه اینترنتی متمایل به اتحادیه اروپا "یوروکتیف" برای نخستین بار از زمان ایجادش امکان صحبت را برای یک کمونیست داد- به گمان اغلب در نتیجه پذیرش مسوولیت حکومت بوسیله سریزا در یونان. پییر لوران منشی ملی حزب کمونیست فرانسه و رییس حزب چپ اروپایی است. در زیر مصاحبه مکمل وی که بتاريخ دوم مارچ ۲۰۱۵ انجام یافته تقدیم است:

یورو اکتیف:

حزب چپگرای سریزای انتخابات اخیر در یونان را برنده شد. کدام تغییراتی را حکومت الکسیس سیپراس میتواند در سطح اروپا وسیله شود.

لوران:

بمیان آمدن حکومت سریزای فرصتی است برای اروپا تا بالاخره بحث روی مشی دیکته صرفه جویی و حمله جابرانه بر بودجه کشوری را که یگانه راه ممکن بخاطر مهار کردن بحران در اروپا با نتایج دراماتیک در تعداد زیادی از کشور های اروپایی انتخاب شده است و هدف از آن در گام نخست تشدید بیکاری است از نو آغاز کرد. سرانجام یک حکومتی در میز مذاکره شورای اروپا می نشیند و بحث را مجدداً آغاز مینماید.

یورو اکتیف:

نخستین تصمیم حکومت یونان این بود تا توافقنامه میان یونان و قرضه دهنده های اروپایی اش را مجدداً مورد بحث و مذاکره قرار دهد. آیا تعهدات میان الکسیس سیراس و وزیران مالیة زون یورو گامی در جهت درست است؟

لوران:

تعهدات به امضای رسیده از دو دیدگاه دلچسپ است. نخست اینکه این سند یک توافقی است که نشاندهنده پایان مأموریت سه گانه ها است. این سند برگشت به مذاکرات مستقیم میان یک حکومت انتخابی و نهاد های اروپایی است حال آنکه ما از پنج سال بدینسو با یک ترکیبی از سه گانه ها مواجه بودیم که خواسته های خودی شان را برای ما دیکته میکردند. این امر برگشت به مذاکرات سیاسی است.

دوم اینکه این تعهدات طور آشکار به مفهوم پایان مذاکرات میان یونان و اروپا تلقی نمیگردد ولی تا کنون سریزا از هیچ یکی از تدابیر اجتماعی اش که تعهد آنرا در برابر مردم سپرده بود انصراف نکرده است. یونان اکنون در موضعی قرار دارد که در توافق با عنصر زمان به مذاکره بپردازد. اکنون حکومت سریزا از آن مرحله یی که در قید آن رهبری گروه یورو به حکومت ها شرایط شان را دیکته میکردند و آنها حق نداشتند در زمینه به گفتگو بپردازند و یا در هر موردی مجبور به طفره رفتن بودند برون آمده است. این تعهدات بر پایه پیشنهاد های فاروفاکیس در مذاکرات طراحی شده است و این یکی از نکاتی است که حکومت جدید یونان را در مقایسه با همه آنانیکه اخطار میدادند تا بدون بحث باید به مواضع قبلی صف آرای کند متمایز میسازد.

یورو اکتیف:

در حالت کنونی الکسیس سیراس یگانه نماینده چپگرا در شورای اروپا است. آیا وی واقعاً به تنهایی میتواند مسایل را تغییر دهد؟

لوران:

طبعاً این یگانه حکومت در میان ۲۷ حکومت دیگر است. ولی من فکر میکنم که موصوف به این امر دست مییابد زیرا حکومت یونان از اعتماد بسیار قوی مردم برخوردار است. مشی صرفه جویی کدام عرصه مصئون از تعرض نیست و اما دموکراسی در آن موقف قرار ندارد. خواست سیاسی خلیها قوی سریزا که میخواهد ندای مردم را حقانیت بخشد یکی از دلایل تعیین کننده است. میخواهم علاوه برین یادآور شوم که آغازگر فرورفتن یونان به این برزخ با تصمیم کمیسیون اروپا همونوا بود که نخست وزیر آن زمان یونان گیورگیوس پاپاندریو را ممانعت کردند تا به آرای مردم یونان مراجعه کند.

بر علاوه من فکر میکنم که تناسب نیروها در اروپا به نفع مطالبات سریزا در همه حال متکی به مواضع این و یا آن حکومتی نبوده و فراتر از آن قرار دارد. زیرا تعداد زیادی از نیروهای مردمی اجتماعی و سندیکایی در اروپا وجود دارند که عین مطالبات سریزا را دارند: این امر در اتحادیه سندیکا های آلمان، در جنبش های مردمی در اسپانیا، در ایتالیا ویا در بلجیم شکل یافتند. سیاست دیکته صرفه جویی که از محدوده حکومت فرا میجهد و یکی از نکات پشتیبان بودن سریزا است سوال برانگیز میباشد.

ازین دیدگاه سریزا نه تنها حافظ مطالبات مردم یونان است بلکه حافظ خواسته های بر حق مردمان اروپا نیز میباشد. بالاخره رشد جنبش نیروهای چپگرای اروپایی در سمت پیشروی در حرکت است. و این واقعیت که الکسیس سیپراس در آخرین انتخابات پارلمان اروپا کاندید مشترک مان در پست رییس کمیسیون اروپایی بود و سهم خود را در گسترش این ایده در بسیاری از کشورهای اروپایی ایفا کرد.

یورو اکتیف:

سریزا و گذشته ازین چپ اروپایی بالای کدام همقطارانی در عرصه سیاسی میتواند اتکا داشته باشد؟

لوران:

در اروپا نیروهای جدیدی بوجود آمده اند که ازین جنبش پشتیبانی میکنند. بخشی از جنبش هیکولوژیک در بسیاری از کشورهای اروپایی در مورد مسایل زیادی با ما هممنظر اند. یک تعداد نماینده های سوسیالیستها بخصوص در فرانسه وجود دارند که همبستگی شان را با سریزا شریک میسازند.

با نیروهای جبهه چپ و آنانیکه در شکل های هیکولوژی اروپا و سبزها شامل اند باید به ائتلافی دست یافت که پروژه های الترناٹیف را برای اروپا عملی سازند.

یورو اکتیف:

آیا اتحادیه اروپا محلی برای آن خواهد بود که سریزا در آنجا چیزهایی را دچار تغییر سازد؟

لوران:

بعضی ها به این عقیده اند که اروپا برای سریزا مانعی است با وجودیکه اروپا در واقعیت مزایای خود را دارد زیرا همه خلقهای اروپا از مسایلی متأثر شده اند که بوسیله پیروزی این حزب مطرح بحث قرار گرفته اند. گذشته ازین بخوبی دیده شد که چه چیزهایی از عروج حکومت جدید یونان تعدادی از حکومت های اروپایی را ناراحت میکند: خطر آنکه این تجربه زادگاه ایده های دیگری در اروپا باشد.

یورو اکتیف:

چه چیزهایی بایست در گرداننده گی اقتصادی اتحادیه اروپا دگرگونه شوند؟

لوران:

گرداننده گی کنونی اقتصادی اروپا به هیچ وجه متعادل نیست. اساسنامه و نقش بانک مرکزی اروپا بایستی از بنیاد تغییر یابد. با فشاری روی انسداد موجود برای تمویل مجدد کشورها بدون سهمیم ساختن سکتور بانکی با وجودیکه همین بانکها بودند که نقش تعیین کننده را در بحران اقتصادی بازی کردند خیلیها میان تهی است.

به هر حال دیده میشود که آخرین تصامیم بانک مرکزی اروپا مبتنی بر آن است تا بگونه تهاجمی پول به رگبارهای ماشین اروپایی تزریق کند و اشاره به معضله کند ولی نمیخواهد ازین پیشتر رود و سوالی را مطرح کند که چه چیزهایی در وجود گردانیدن چرخ کنونی اقتصادی ناقص عمل میکند.

مزید بر این هرگونه حقوق سازمانهای اجتماعی و سندیکاها بخاطر دیده بانی از سمتدهی اقتصادی اتحادیه اروپا ساقط میگردد. نتیجه چنین استکه گرداننده گی اروپایی سراغ میشود و آنها تا حدود زیادی در حیطه مدیریت مالی و بانکی قرار دارد. یکی از مسایلی که در هر صورت باید تغییر یابد همانا کاربرد شیوه های غیر دموکراتیک است که یکی از عوامل پر اهمیت بحران ساختاری را تشکیل میدهد و در اروپا مسلط است.

یورو اکتیف:

چگونه میتوان در برابر این شیوه غیر دموکراتیک عمل کرد؟

لوران:

من ازین نظر پشتیبانی میکنم که کشورهای اروپایی باید حق آنها داشته باشند تا در این و یا آن دایرکتیف و یا تصمیم اتحادیه اروپا در صورتیکه مردم از طریق همه پرسی به تردید آن رأی داده باشند شرکت نکنند. اتحادیه اروپا باید در مطابقت با تفاهم خلقهای اروپا ساخته شود نه بوسیله رهبری عمودی که منطق اکثریت دایرکتیف های اتحادیه اروپا را تشکیل میدهد.

ما میتوانیم از نحوه این تفاهم ها مستفید شده و به پیاده کردن آن اصرار ورزیم حال آنکه این ساختار اکنون چنین عمل میکند که یک دولت نیرومند به دولت ضعیف خواسته هایش را تحمیل میکند.

امروز ما آنانی هستیم که در جایگاه یگانه نیروی دگراندیش اروپایی از ایده اروپای همنوایی نماینده گی میکنیم. من فکر میکنم که تصمیم بعدی برای اروپا این خواهد بود که یا پاسخ اروپایی همنوایی در برابر بحران را جستجو کند و یا پاسخی برای جنبش های تخریبی اروپایی که میخواهند ناسیونالیزم افراطی و یا لیبرالیزم افراطی را مسلط گردانند بدهد.

(تذکر: این برگردانی از متن اصلی فرانسوی گرفته شده است. آنچه در شبکه یورواکتیف به زبان آلمانی به نشر سپرده شده برگردانی از متن انگلیسی آن است و در برگیرنده تعدادی از اشتباهات و تخلص میباشد. گیورگ پولیکیت).

فوتو: حزب کمونیست فرانسه